

# مفاهیم حقوق بشری



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## برده داری

برده داری (Slavery) به معنای مالکیت یک انسان بر انسان دیگر و استفاده از وی جهت کار اجباری بدون پرداخت حقوق و مزایا متناسب، همواره به عنوان یکی از قدیمی ترین و ناعادلانه ترین نظام های اجتماعی در طول تاریخ بشریت مطرح بوده است.

نظام مزبور در دوران باستان به شکل گسترده ای رواج داشت و بردگان اغلب از طریق جنگ ها، بدهی ها یا خرید و فروش به این وضعیت نامطلوب دچار می شدند؛ اما با گذشت زمان و با ظهور ادیان و فلسفه های جدید، مخالفت با برده داری به مرور افزایش یافت.

در نتیجه این نگرش ها، جنبش های حقوق بشری در سده های ۱۹ و ۲۰ میلادی تلاش های گسترده ای را در عرصه نظام بین الملل به منظور ملغی نمودن این پدیده صورت دادند؛ به گونه ای که در پرتو این عملکرد، بسیاری از کشورها قوانین ضد برده داری را تصویب کردند و سازمان هایی همچون ملل متحد نیز به مبارزه جدی با این پدیده پرداختند.

شایان ذکر است که اگرچه امروزه برده داری به صورت رسمی در تمامی کشورهای جهان ملغی گردیده است؛ ولی صورت غیررسمی این پدیده همچنان در تعداد اندکی از کشورهای توسعه نیافته به قوت خود باقی مانده است.

آزادی ادیان (Freedom of religion) یکی از حقوق اساسی بشر می‌باشد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. این حق شامل آزادی هر فرد یا گروه برای ابراز، عمل، رعایت و پرستش دین و باورهای خود، چه به صورت فردی و چه گروهی، می‌باشد.

در این میان، بند ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر اهمیت آزادی ادیان تأکید دارد و هرگونه سلب این حق را بی‌عدالتی می‌داند. همچنین در بسیاری از کشورهای جهان، آزادی دین به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در قانون اساسی گنجانده شده است. باید اشاره داشت که آزادی دین نه تنها شامل آزادی در انتخاب دین است، بلکه شامل آزادی در ابراز و عمل به باورهای دینی نیز می‌شود.

شایان ذکر است که اگرچه حق انتخاب، برخورداری یا عدم برخورداری از دین و مظاهر آن مورد شناسایی کامل قواعد حقوق بشری قرار گرفته است، اما امروزه حق ابراز عقاید مرتبط با این امر در بسیاری از کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک (بنا به قرائت‌های خاص فرهنگی یا سیاسی) با برخی از محدودیت‌ها روبرو می‌باشد.





## معاهده بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی

معاهده بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی (ICERD) یکی از معاهدات کلیدی حقوق بشری سازمان ملل متحد است که با هدف ریشه‌کنی نژادپرستی و تقویت اصول همگرایی و احترام متقابل میان ملت‌ها به تصویب رسیده است. این معاهده کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا از طریق اقدامات قانونی، هرگونه ترویج نفرت‌پراکنی نژادی را غیرقانونی اعلام کرده و برخوردهای قضایی لازم را در این زمینه به عمل آورند.

معاهده مزبور که در سال ۱۹۶۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و از سال ۱۹۶۹ اجرایی گردید، به‌واسطه ارائه تفسیرهای موسع در زمینه اصول و مفاهیم حقوق بشری مرتبط با تبعیض نژادی، در صدد دستیابی به یک نظام نظارتی کارآمد و جامع بوده است. علاوه بر این، کمیته حذف تبعیض نژادی با ارائه نظرات تکمیلی در حوزه‌هایی نظیر مبارزه با سخنان نفرت‌انگیز، تضمین حق تعیین سرنوشت، حمایت از گروه‌های جابجاشده داخلی، آوارگان، حفاظت از حقوق مردمان بومی و غیر اتباع، تلاش کرده است تا دامنه شمول و تأثیرگذاری این معاهده را در زمینه حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر به طور مؤثری گسترش دهد.

## کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و از ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد، به عنوان اصلی ترین سند بین المللی در زمینه رفع تبعیض جنسیتی شناخته می شود. هدف این کنوانسیون، حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی است. بر اساس مفاد آن، تبعیض جنسیتی به هر نوع تمایز، استثنا یا محدودیتی اشاره دارد که مانع از به رسمیت شناختن، بهره مندی یا اعمال حقوق و آزادی های اساسی برای زنان شود. در جهت نظارت بر اجرای کنوانسیون مزبور، کمیته ای ویژه تشکیل شده است که وظیفه بررسی گزارش های دوره ای کشورهای عضو و ارائه توصیه های لازم را عهده دار می باشد. علاوه بر این، در سال ۱۹۹۹، پروتکل اختیاری این کنوانسیون نیز تصویب شد که به افراد و گروه ها اجازه می دهد تا در صورت نقض حقوق مندرج در این معاهده، شکایات خود را به کمیته ارائه دهند.

امروزه این کنوانسیون به مثابه ابزاری قدرتمند جهت حصول تساوی جنسیتی شناخته می شود و تلاش ها در جهت تکمیل مشارکت جهانی در آن همچنین ادامه دارد.



## حق داشتن یک محیط سالم

حق داشتن یک محیط سالم (Right to a healthy environment) یکی از حقوق بنیادین بشری است که از سوی نهادهای حقوق بشری و محیط زیستی در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. این حق به معنای برخورداری از محیطی پاک، سالم و پایدار است که تأمین‌کننده سلامت جسمی، روانی، و اجتماعی افراد است و نقشی اساسی در تضمین کیفیت زندگی ایفا می‌کند.

اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲ از مهم‌ترین اسنادی هستند که این حق را در نظام حقوق بین‌الملل نهادینه کرده‌اند. علاوه بر این، بیش از ۱۵۰ کشور عضو سازمان ملل متحد، حق مزبور را از طریق ابزارهای قانونی مختلف، نظیر قانون‌گذاری، احکام قضایی یا درج در قانون اساسی، مورد تأیید قرار داده‌اند.

شایان‌ذکر است که حق دسترسی به محیط سالم، نه تنها با مؤلفه‌های حقوق بشری چون حق بهداشت و حق غذا پیوندی عمیق دارد، بلکه دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا با وضع و اجرای قوانین زیست‌محیطی مؤثر، کنترل آلودگی‌ها و حمایت از جوامع آسیب‌دیده، سلامت و رفاه شهروندان را در اقصی نقاط جهان تضمین کنند.

## نسل اول حقوق بشر

نسل اول حقوق بشر (First-generation human rights) که به «حقوق آبی» نیز معروف است، شامل حقوق مدنی و سیاسی می‌شود و به آزادی‌های فردی و مشارکت سیاسی مربوط می‌باشد. این حقوق برای حفاظت از افراد در برابر سوءاستفاده‌های دولتی و تضمین آزادی‌های اساسی طراحی شده‌اند و درصدد محافظت از افراد در برابر اقدامات سرکوب‌گرایانه دولت هستند. این حقوق با ریشه در لیبرالیسم کلاسیک، نخستین بار در نظام حقوق موضوعه شناخته شدند و منشأ آن‌ها به انقلاب فرانسه و اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹ بازمی‌گردد.

حقوق نسل اول شامل حق زندگی، مساوات در برابر قانون، آزادی بیان، آزادی دین، حق مالکیت، دادرسی منصفانه و حق رأی می‌باشد. این حقوق در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۳ تا ۲۱) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) به رسمیت شناخته شده و در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۳) نیز گنجانیده شده‌اند. شایان ذکر است که نسل اول حقوق بشر، پایه و اساس حقوق بشر مدرن را تشکیل داده و در تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی افراد نقش اساسی ایفا می‌کند.



## نسل دوم حقوق بشر

نسل دوم حقوق بشر (Second-generation human rights) به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد که پس از جنگ جهانی دوم به رسمیت شناخته شدند. این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده‌اند و هدف آنها تضمین عدالت اجتماعی و برابری برای همه افراد جامعه می‌باشد. از جمله مهم‌ترین این حقوق می‌توان به حق کار با شرایط منصفانه، دسترسی به مسکن، غذا، بهداشت و آموزش اشاره کرد.

به طور خاص، ماده‌های ۲۲ تا ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حقوق تأکید دارند. به‌عنوان مثال، حق برخورداری از خدمات بهداشتی به تمامی افراد جامعه اجازه می‌دهد به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی داشته باشند و حق آموزش تضمین می‌کند که همه افراد بدون تبعیض به آموزش باکیفیت دسترسی داشته باشند.

به‌صورت کلی نسل دوم حقوق بشر به دنبال فراهم آوردن حداقل‌های ضروری برای زندگی با کرامت است و دولت‌ها موظف‌اند با تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب، این حقوق را محقق کنند.

## نسل سوم حقوق بشر

نسل سوم حقوق بشر (Third-generation human rights) که به‌عنوان حقوق همبستگی یا حقوق جمعی شناخته می‌شود، فراتر از حقوق فردی و اجتماعی رفته و به حقوقی اشاره دارد که تحقق آن‌ها نیازمند همکاری و همبستگی بین‌المللی است. از مهم‌ترین حقوق این نسل می‌توان به حق توسعه اشاره کرد که به تمامی افراد و ملت‌ها اجازه می‌دهد در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت داشته و از مزایای آن بهره‌مند شوند؛ این حق در سال ۱۹۸۶ توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. حق برخورداری از محیط‌زیست سالم نیز از حقوق نسل سوم محسوب می‌شود که بر اهمیت حفاظت از محیط‌زیست برای نسل‌های آینده تأکید دارد. این حق ابتدا در کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ و سپس در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، حق صلح که در اعلامیه ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و حق بهره‌مندی از میراث مشترک بشری که در کنوانسیون‌های مختلف مانند کنوانسیون ۱۹۷۲ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان تصریح شده نیز در زمره این نسل قرار می‌گیرند.



# HUMAN RIGHTS

## نسل چهارم حقوق بشر

نسل چهارم حقوق بشر (Fourth-generation human rights) به عنوان یک مفهوم نوین در بحث حقوق بشر، به حقوق و آزادی‌هایی اشاره دارد که بیشتر با توسعه فناوری‌های نوین در جامعه جهانی در ارتباط هستند. در حالی که سه نسل نخست حقوق بشر به ترتیب بر حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی مانند حق توسعه و محیط زیست سالم تأکید دارند، نسل چهارم به چالش‌های جدید ناشی از پیشرفت‌های علمی و فناوری می‌پردازد.

این نسل شامل حقوق مرتبط با حوزه‌های بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی و حریم خصوصی دیجیتال است که با تحولات شگرف تکنولوژی گره خورده‌اند. از جمله حقوق نسل چهارم می‌توان به حفاظت از داده‌های شخصی، حق بهره‌مندی از دستاوردهای علمی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های فناوری‌های نوین اشاره کرد. این حقوق بر پایه نیاز به ایجاد چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی برای تنظیم فعالیت‌های تکنولوژیک و تضمین احترام به کرامت انسانی توسعه یافته‌اند؛ لذا نسل چهارم حقوق بشر با درک ماهیت پیوند جهانی و تحول فناوری، در پی حفظ حقوق و آزادی‌های فردی در عصر دیجیتال می‌باشد.

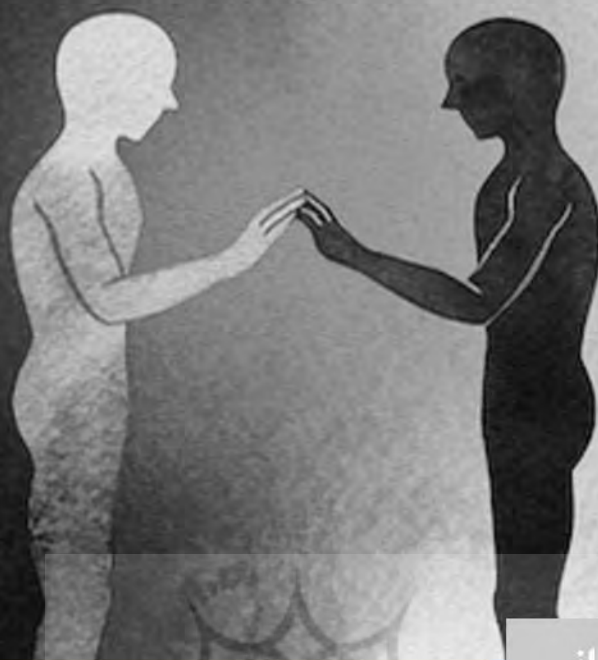
## حقوق کودکان

حقوق کودکان (Children's rights)، به عنوان بخشی بنیادین از حقوق بشر، بر اصل کرامت انسانی، برابری و حمایت جامع از کودکان تأکید دارد. این حوزه حقوقی، به ویژه در چارچوب کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)، تعهدات دولت‌ها را در قبال تأمین امنیت، آموزش، بهداشت و رفاه کودکان تبیین می‌کند. از مولفه‌های اساسی حقوق کودک می‌توان به اصل عدم تبعیض، رعایت منافع عالی کودک، تضمین حق بقا و رشد و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی آنان اشاره کرد.

در این بین بدیهی است که تضمین حقوق کودک، به ویژه در برابر تهدیدهایی همچون خشونت، بهره‌کشی و استثمار اقتصادی، مستلزم تعهد دولت‌ها به اجرای قوانین حمایتی و رعایت استانداردهای بین‌المللی است. به علاوه، حمایت ویژه از کودکان آسیب‌پذیر در شرایط بحرانی، مانند جنگ، پناهجویی و قاچاق انسان، اهمیت مضاعفی دارد.

شایان ذکر است که توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی برای حقوق مزبور، نه تنها به بهبود شرایط زندگی و رشد کودکان می‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز ایجاد جوامعی عادلانه‌تر، پایدارتر و مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی می‌شود.





## کرامت انسانی

کرامت انسانی (Human Dignity) به‌عنوان یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم اخلاقی، در مرکز گفتمان حقوق بشر قرار دارد. این مفهوم، برخاسته از ذات انسانی، هر فرد را فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب یا عقاید، شایسته احترام و برخورداری از حقوق برابر می‌داند. حقوق بشر در عصر مدرن، به‌ویژه در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، بر کرامت انسانی تأکید دارد و آن را به‌عنوان پایه‌ای برای تدوین اصول حقوقی معرفی می‌کند.

مفهوم فوق‌نه‌تنها مبنای حقوق فردی است، بلکه به‌عنوان معیاری برای ارزیابی قوانین، سیاست‌ها و عملکردهای حکومتی مطرح می‌شود. این ارتباط دوسویه میان کرامت و حقوق بشر، تأمین آزادی، عدالت و برابری را تضمین می‌کند.

از منظر فلسفه حقوق نیز، کرامت انسانی زمینه‌ساز اصل عدم تبعیض، حق زندگی و آزادی عقیده است. شایان‌ذکر است که جوامع مختلف، با رویکردهای گوناگون فرهنگی، این اصل را تأیید کرده و آن را به ساختار حقوق بشر جهانی افزوده‌اند؛ لذا این همگرایی فرهنگی و حقوقی، کرامت انسانی را به‌مثابه پلی در جهت تقویت همزیستی و تفاهم میان ملت‌ها مطرح می‌سازد.

حق توسعه (Right to development) به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، به توانایی افراد و جوامع برای دستیابی به رشد پایدار، برخورداری از فرصت‌های برابر و بهره‌مندی از نتایج توسعه اشاره دارد. این حق، در بستر اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه حق توسعه (۱۹۸۶) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، به مثابه حقی میان‌نسلی تلقی می‌شود.

از منظر حقوق بشری، حق توسعه تنها به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل مشارکت فعال و آزادانه افراد در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مؤلفه‌های مختلف توسعه نیز می‌گردد.

در این بین، دولت‌ها وظیفه دارند تا با اتخاذ سیاست‌های شفاف، زمینه را برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هموار کنند. این امر شامل تضمین حق دسترسی به آموزش، بهداشت، اشتغال و محیط‌زیست سالم است. در این راستا، همکاری بین‌المللی و مقابله با چالش‌های جهانی نظیر تغییرات اقلیمی و فقر، از الزامات حیاتی تحقق این حق به شمار می‌آید؛ بنابراین، حق توسعه با ایجاد پیوند میان کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، نقشی کلیدی در ارتقای حقوق بشر ایفا می‌کند.



## حقوق سلبی

حقوق سلبی (Negative Rights) بر آزادی فرد از دخالت‌ها یا محدودیت‌های خارجی تأکید دارد. این حقوق به‌عنوان تعهدات «عدم انجام» برای دولت‌ها و نهادهای حاکمیتی تعریف می‌شوند و وظیفه دارند از تعرض به حقوق فردی جلوگیری کنند. نمونه‌هایی از حقوق سلبی شامل حق آزادی بیان، آزادی مذهب، حق حریم خصوصی و آزادی تجمع است.

از منظر حقوق بشری، حقوق سلبی نباید تحت سلطه افراد یا گروه‌هایی مانند نظام سیاسی قرار گیرد، زیرا امکان سوء استفاده از آن‌ها وجود دارد. این حقوق، چارچوبی را فراهم می‌آورند که در آن افراد بتوانند زندگی و انتخاب‌های خود را بدون دخالت یا اجبار از سوی دولت یا دیگر افراد دنبال کنند. تعهد دولت‌ها در این زمینه بیشتر ماهیت «پرهیزی» دارد؛ یعنی خودداری از محدودسازی آزادی‌ها یا ایجاد موانع بر سر راه بهره‌مندی از این حقوق.

با این حال، در عمل، تعادل میان حقوق سلبی و ایجابی (مانند حق آموزش یا بهداشت) همواره موضوعی بحث‌برانگیز بوده است. به‌ویژه، نقدهایی مبنی بر اینکه تأکید زیاد بر حقوق سلبی ممکن است منتج به نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی و اقتصادی افراد شود.

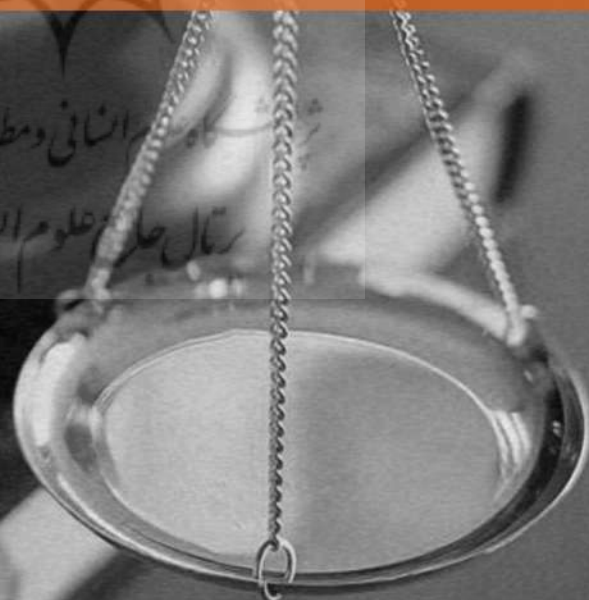
## حقوق ایجابی

حقوق ایجابی (Positive Rights) به مجموعه‌ای از حقوق شامل دسترسی به بهداشت، آموزش، مسکن مناسب، کار و تأمین اجتماعی اشاره دارد و در اسناد بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است. در این بین، برخلاف حقوق سلبی که صرفاً مستلزم پرهیز از دخالت است، حقوق ایجابی به اقداماتی فعال نیاز دارد.

بعد حقوق بشری حقوق ایجابی از دو منظر اهمیت دارد. نخست، به‌عنوان مبنای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها، این حقوق نقش کلیدی در تقویت شأن و کرامت انسانی ایفا می‌کنند. دوم، این حقوق با تعهدات مثبت دولت‌ها در قبال شهروندان پیوند دارد و دولت‌ها ملزم به فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و منابع لازم برای تضمین این حقوق هستند.

با وجود موارد فوق، چالش‌هایی مانند محدودیت منابع مالی و تضاد با حقوق سلبی، تحقق کامل حقوق ایجابی را در برخی نظام‌های حقوقی و سیاسی دشوار کرده است. با این حال، ترویج نگرش‌های مشارکت‌محور و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، زمینه را برای توسعه این حقوق و تعمیق ابعاد انسانی آن فراهم می‌کند.

کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی  
سال علوم انسانی



## کنوانسیون ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته فراملی

کنوانسیون ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته فراملی (UNTOC)، که در سال ۲۰۰۰ در پالمو ایتالیا به تصویب رسید، چارچوب حقوقی و بین‌المللی برای مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی ارائه می‌دهد. این کنوانسیون با هدف تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تسهیل اقداماتی برای مبارزه با انواع مختلف جرم سازمان یافته، از جمله قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، و فساد طراحی شده است. از جمله ویژگی‌های کلیدی این کنوانسیون، ایجاد سازوکارهای قانونی برای استرداد مجرمان، ارائه کمک‌های قضائی و تقویت نظارت بر فعالیت‌های مرتبط با جرائم سازمان یافته می‌باشد. علاوه بر این، پروتکل‌های ضمیمه به کنوانسیون شامل ابزارهایی برای مقابله با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران هستند که دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر قانونی مؤثر برای پیشگیری، تحقیق و مجازات چنین جرائمی ملزم می‌سازد. این کنوانسیون دولت‌ها را به ایجاد نظام‌هایی برای حفاظت و حمایت از قربانیان جرائم سازمان یافته ترغیب می‌کند.

شایان ذکر است که کنوانسیون مذکور تاکنون به امضای بیش از ۱۹۰ کشور رسیده است که نشان‌دهنده تعهد جهانی به مبارزه با جرائم سازمان یافته و حفظ اصول حقوق بشر در سطح بین‌المللی است.

## ناپدید شدن قهری

ناپدید شدن قهری (Enforced Disappearance of Persons) از هولناک‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که در آن افراد به دست دولت‌ها یا نهادهای وابسته ربوده یا بازداشت می‌شوند، بی‌آنکه از سرنوشت یا محل نگهداری‌شان خبری به خانواده یا مراجع قانونی داده شود. این عمل، قربانیان را از چتر حمایت‌های قانونی محروم کرده و بستری برای شکنجه، قتل و دیگر رفتارهای غیرانسانی فراهم می‌سازد. اثرات این جنایت نه تنها حق حیات، آزادی و امنیت فرد را می‌ستاند، بلکه زخم‌های عمیقی بر پیکره خانواده‌ها و جوامع قربانیان بر جای می‌گذارد.

در عرصه حقوق بین‌الملل، ناپدید شدن قهری به‌مثابه جنایتی علیه بشریت شناخته شده و طبق کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از اشخاص در برابر ناپدید شدن قهری، دولت‌ها موظف به پیشگیری، تحقیق و تعقیب عاملان هستند. این کنوانسیون همچنین حقی بنیادین برای خانواده‌ها قائل است تا از سرنوشت عزیزان خود آگاه شوند. با این حال، علی‌رغم تعهدات بین‌المللی، بسیاری از کشورها در مقابله با این جنایت کوتاهی کرده‌اند و نیاز به تلاش‌های جدی‌تر برای حمایت از قربانیان و خانواده‌هایشان همچنان به‌شدت احساس می‌شود.

